

گریه عزت گریه شوق

«گریه» مظهر شدیدترین حالات احساسی انسان است، و انگیزه‌ها و علت‌های گوناگونی دارد که هر کدام از آنها بیانگر حالتی خاص است. در روایات، بعضی از انواع گریه تشویق شده و از صفات پسندیده بندگان مخلص خداوند بشمار آمده است. و بعضی از انواع گریه ناپسند شمرده شده است. از آنجایی که گریه عملی طبیعی و چه بسا غیر ارادی است، لذا نمی‌شود مورد امر و نهی و حسن و قبح قرار گیرد، بلکه آنچه که مورد حسن و قبح می‌باشد، مقدمات و انگیزه‌های گریه است.

• انواع گریه

۱- گریه عاطفی و محبت

یکی از عواطف اصیل انسان محبت است که با گریه انس دیرینه دارد. به طور مثال محبت حقیقی به حضرت باری تعالی حسن آفرین است و برای قرب بیشتر به او اشک محبت لازم است.

۲- گریه معرفت و خشیت

انجام عبادات خالصانه و تدبیر و تفکر در عظمت هستی و کبریایی حضرت دوست و همچنین اهمیت تکالیف و مسئولیتهای خطیر انسانی سبب می‌گردد که نوع خاصی از خوف، در درون انسان بوجود آید و این خوف، خوفی است که از روی تهذیب نفس و معرفت عمیق به حضرت دوست به دست می‌آید که «خشیت» نام دارد.

۳- گریه طفولیت

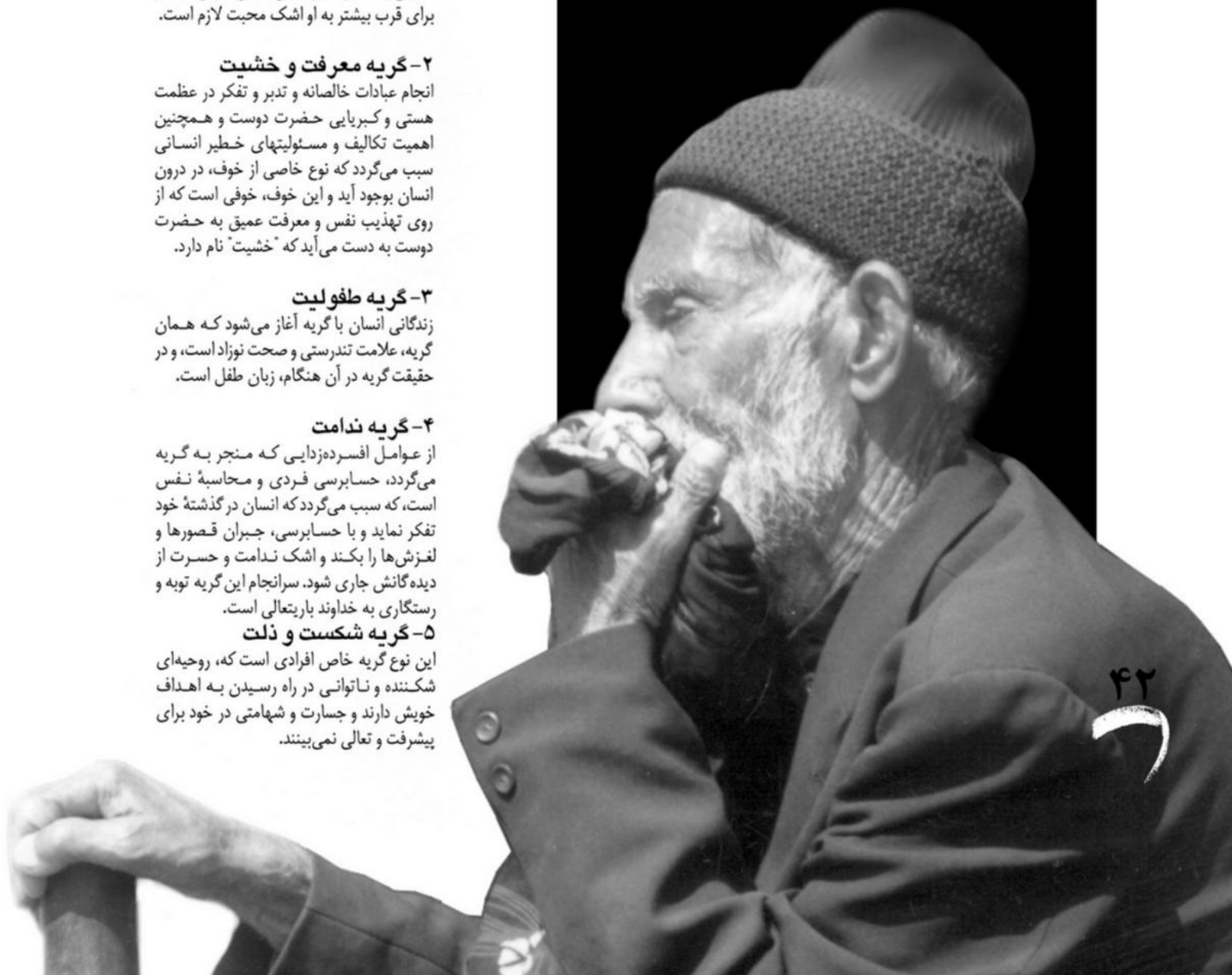
زندگانی انسان با گریه آغاز می‌شود که همان گریه، علامت تندرستی و صحت نوزاد است، و در حقیقت گریه در آن هنگام، زبان طفل است.

۴- گریه ندامت

از عوامل افسرده‌زدایی که منجر به گریه می‌گردد، حساسی فردی و محاسبه نفس است، که سبب می‌گردد که انسان در گذشته خود تفکر نماید و با حساسی، جبران قصورها و لغزش‌ها را بکند و اشک ندامت و حسرت از دیده‌گانش جاری شود. سرانجام این گریه توبه و رستگاری به خداوند باری تعالی است.

۵- گریه شکست و ذلت

این نوع گریه خاص افرادی است که، روحیه‌ای شکننده و ناتوانی در راه رسیدن به اهداف خویش دارند و جسارت و شهامت در خود برای پیشرفت و تعالی نمی‌بینند.



۶- گریه شوق

گریه‌ای است که از روی هیجان و بعضاً به جهت سرور و شادی انسان از چیزی خاص بروز می‌کند. به مانند مادری که پس از سالها فرزند گمشده خویش را در آغوش می‌گیرد و اشک شوق می‌ریزد.

۷- گریه پیوند با هدف

گاهی قطره‌ای اشک انسان، پیام آور هدفهاست، گریه برای شهیدان از این نوع گریه است. حال و هوای حماسه و استقامت با گریه بر شهید احياء می‌شود. گریه بر سرور و سالار شهیدان خوی حماسه و ایثار را در انسان زنده نگه داشته و خوی حسینی چنین است که نه ظلم می‌کند و نه ظلم می‌پذیرد، فردی که با شنیدن حادثه عظیم کربلا اشکی از درون دل بیرون می‌فرستد، همبستگی خود را با اهداف والای سیدالشهداء، صادقانه و خالصانه بیان می‌کند.

● گریه بر حسین (ع)

هر کس با اندک توجهی در خواهد یافت که گریه بر سیدالشهداء، گریه از نوع محبت است، محبتی که عاشقانش در دلهايشان به ثبت می‌رسانند. گریه بر او، گریه شوق است، چرا که اکثر حماسه‌های کربلا شورانگیز و شوق آفرین است و سیلاب اشکهای شوق عشاق پیوسته به جهت آن همه ایثار، جوانمردی، رشادت، شجاعت و خطابه‌های روشنگرانه آتشین مردان و زنان در ظاهر اسیر، از چشمان عشاق سرازیر می‌گردد. همچنین هدف متعالی و انسان ساز او و اصحابش سبب گریه معرفت و پیوند است، که به دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) گریه سیاسی است که فرمودند:

«ما ملت گریه سیاسی هستیم، ما ملتی هستیم که با همین اشکها سیل جریان می‌دهیم و سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است خرد می‌کنیم.»

هیئات که گریه بر اباعبدالله الحسین (ع)، گریه ذلت و شکست باشد، بلکه گریه همبستگی و پیوند با سرچشمه عزت و افتخار است، گریه صامت نیست، که گویا تر از هر ناطقی است، گریه سرد کننده نیست، که گرمابخش است، گریه بزدلان نیست، که گریه رشیدانه است، گریه حسرت و ندامت نیست، که گریه امیدوارانه است. و بالاخره گریه معرفت است که در سوگ حسین و یارانش از هر گونه تحریف و انحراف در قیام جاودانه حضرتش جلوگیری می‌کند. و شاید به همین دلیل است که در فضیلت گریه بر

حسین (ع) روایات متعددی آمده است. از آن جمله، حدیثی است که حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید:

«كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ بِسُوءِ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ (ع)»

هر نالیدن و گریه‌ای مکروه است، مگر ناله و گریه بر حسین (ع).

عزاداری و گریه برای اباعبدالله الحسین (ع)

هر نالیدن و گریه‌ای مکروه است، مگر ناله و گریه بر حسین (ع)

دارای آثار و برکات گرانقدری است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

گریه بر حسین (ع) و برگزاری مراسم عزاداری حسینی نه فقط بنیان مکتب را حفظ می‌کند، بلکه سبب می‌گردد شیعیان با حضور در این مجالس از والاترین جلوه‌های تربیت اسلامی بهره‌مند شده و در مسیر حسینی شدن رشد و پرورش یابند.

کدام اجتماعی است که در جهان چنین اثری را از خود انتشار دهد؟ کدام واقعه‌ای است مانند حادثه عظیم کربلا که از دوره وقوع تا دوره معاصر و بعدها بدین گونه اثر خود را در جامعه بشریت گذارده، و هر روز بیشتر از دیروز گستره آن وسیعتر و تأسی و تبعیت از آن بیشتر گردد؟ از این منظر باید گفت که در حقیقت مجالس عزاداری حافظ و احیاء کننده نهضت مقدس ابی‌اباعبدالله الحسین (ع) و در نتیجه حافظ اسلام و ضامن بقای آن است.

موریس دوکبری می‌نویسد: «اگر مورخین ما، حقیقت این روز را می‌دانستند و درک می‌کردند که عاشورا چه روزی است، این عزاداری را مجنونانه نمی‌پنداشتند، زیرا، پیروان حسین به واسطه عزاداری حسین می‌دانند که پستی و زیردستی و استعمار را نباید قبول کنند، زیرا شعار پیشرو و آقای آنان ندادن تن به زیر بار ظلم و ستم است.»

اندکی تعمق و بررسی عمیق در مراسم عزاداری سیدالشهداء روشن می‌شود که چه نکات دقیق و حیات بخشی مطرح می‌شود، در مجالس عزاداری اباعبدالله الحسین (ع) گفته می‌شود که حسین برای حفظ شرف و ناموس مردم و بزرگی مقام و مرتبه اسلام، از جان و مال فرزند گذشت و زیربار استعمار و ماجراجویی یزید نرفت، پس باید، ماهم شیوه او را سرمشق قرار داده از زیر دستی استعمارگران خلاصی یابیم و مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح دهیم...»

از یاد محبت به امام و تنفر از دشمنان آن حضرت نزول رحمت حضور معصوم در هنگام مرگ - آشنایی با حقیقت دین و نشر آن - آموزش گناهان - بهره‌مندی از کوثر - ثواب بی‌پایان - سکونت یافتن - موجب شفا - گریان نشدن در روز قیامت .

از دیگر آثار و برکات گریه است که در روایات آمده است.

..... پی نوشت:

در دفتر مجله موجود می‌باشد.

